

ماتریالیسم تاریخی

انترناسیونالیسم و وطن پرستی

کدام تفاوت ها را دارند ؟

امیرنیک آنین

درس ۹۱ - انترناسیونالیسم پرلتری و میهن پرستی

در رابطه با تئوری مارکسیستی-لنینیستی "ملت" مقولات مهم انترناسیونالیسم پرلتری و میهن پرستی را توضیح میدهم.

(۱)

(۱) معنای مفهوم انترناسیونالیسم پرلتری :
انترناسیونالیسم پرلتری یعنی اتحاد پرلتاریا و زحمتکشان همه ملت ها و همه کشورها در نبرد مشترک علیه سرمایه و ستم طبقاتی و ملی در سراسر جهان، در نبرد مشترک به خاطر سوسیالیسم و کمونیسم.
انترناسیونالیسم پرلتری عبارتست از سیاست و ایدئولوژی همبستگی بین المللی کارگران و همه زحمتکشان.

(۲) پایه و شالوده انترناسیونالیسم :
میدانیم که کارگران و زحمتکشان هر ملت و هر کشوری علیه بورژوازی بهره کش و برای دفاع از منافع حیاتی خود، برای استقرار دموکراسی و سوسیالیسم می رزمند. در عین حال کارگران و زحمتکشان همه کشورهای جهان دارای منافع مشترک و همانندی هستند و دشمن طبقاتی واحدی دارند که بورژوازی سراسردنیا است. اتحاد و همبستگی و پشتیبانی متقابل کارگران و زحمتکشان همه ملت ها و هم کشورها در مبارزه به خاطر امر مشترک، از همینجا، از وحدت منافع اقتصادی، سیاسی، و از اشتراک هدف ها و آرمان های آنان ناشی می گردد. چنین است پایه عینی انترناسیونالیسم پرلتری. سرمایه درمقیاس جهانی متحد است، کار نیز باید درمقیاس جهانی متحد شود.

(۳) تاریخچه انترناسیونالیسم و تکامل آن :
این اندیشه از همان آغاز تدوین و شکل گرفتن آموزش مارکسیسم توسط مارکس و انگلس بیان شد. کمونیسم همواره با همبستگی بین المللی زحمتکشان، عجین بوده و خواهد بود. مارکس و انگلس بر سر لوحه نخستین اثر کلاسیک مارکسیستی، یعنی "مانیفست حزب کمونیست" که در سال ۱۸۴۸ منتشر شد، این شعار جاودان را نوشتند:

پرلتاریای سراسر جهان متحد شوید!

این شعار بیان سیاسی اندیشه انترناسیونالیسم پرلتری بود. از آن بیعد تکامل جامعه بشری و سیرتاریخ، هم فعلیت و صحت این شعار را ثابت کرد و هم برغناى آن افزود و محتوی آن را گسترش داد.

تا پیش از انقلاب کبیراکتبر انترناسیونالیسم پرلتری بویژه به معنای همیستگی بین المللی زحمتکشان تمام کشورها در مبارزه برای برانداختن سرمایه داری و به حکومت رساندن طبقه کارگر بود. پس از پیدایش نخستین دولت سوسیالیستی در جهان علاوه بر آن محتوی سابق، عناصر تازه ای به آن افزوده شد نظیر پشتیبانی جنبش جهانی از نخستین حکومت پرلتری و دفاع از آن، کمک و پشتیبانی نخستین دولت سوسیالیستی از جنبش جهانی، تعمیم مفهوم انترناسیونالیسم در مناسبات با ملل ستمدیده و جنبش آزادیبخش ملی.

پس از جنگ دوم و تشکیل اردوگاه کشورهای سوسیالیستی، انترناسیونالیسم به مثابه پایه و اساس مناسبات بین دول، مفهوم تازه روابط برادرانه و کمک متقابل بین این دول را نیز دربرگرفت. این تاریخچه گواه بر آن است که مارکسیسم-لنینیسم خواستار وحدت خلل ناپذیر منافع ملی و بین المللی زحمتکشان جهان در راه پیروزی سوسیالیسم است زیرا که نبرد علیه سرمایه داری و امپریالیسم خصلت بین المللی دارد اگرچه راه مشخص پیروزی آن در هر کشور و اشکال ساختمان سوسیالیسم در هر کشور، وابسته به شرایط مشخص تاریخی هر ملت و هر کشور است.

۴) انترناسیونالیسم در روابط بین ملل :

این گفته انگلس بسیار مشهور است که "ملتی که بر ملت دیگرستم روا دارد خود نمی تواند آزاد باشد". لنین این گفته را اصل اساسی انترناسیونالیسم نامیده است. این اصل راهنمای همه احزاب کمونیست در طرح و بررسی مسئله ملی و حل آن است. این اصل ردّ کامل هرگونه ستم ملی آشکار و پنهان، هرگونه ناسیونالیسم و تعصب ملی است. نمونه حل مسئله ملی را بر این اساس حکومت جوان شوروی زیر رهبری لنین، در قبال ملل گوناگون و اقلیت های ملی به روشنی عرضه داشت. در زمان ما شعار معروف مارکس و انگلس با شعار "پرلترهای تمام کشورها و ملل ستمدیده متحد شوید!" تکمیل گردیده است. این نتیجه مستقیم اشتراک هدف های جنبش کمونیستی و اردوی سوسیالیستی و نهضت های ملی و آزادی بخش در نبرد واحد آنها علیه امپریالیسم است.

۵) انترناسیونالیسم در روابط بین احزاب کمونیست و کارگری :

منافع مشترک، دشمن واحد، آرمانها و هدف مشترک و آموزش مشترک مارکسیستی - لنینیستی شالوده این اصل در روابط بین احزاب برادر است. در عین این پیوندهای اساسی، پیدایش برخی اختلافات، به علت شرایط عینی معین مبارزه و مسائل ویژه ای که هر کشور با آن روبرو است و علل مختلف دیگر محتمل است. بعضی از این اختلافات در جریان حوادث مرتفع خواهد شد، یا در پرتوی رشد حوادث که ماهیت مسائل مورد بحث را روشن خواهد کرد محو خواهد گردید، و برخی دیگر ممکن است مدت بیشتری دوام آورند. ولی اصل، آنست که همه مسائل و اختلافات و موارد مورد بحث میتواند و باید از راه همکاری احزاب کمونیست در تمام جبهه ها، از راه گسترش مناسبات و بحث و تبادل عقیده و تجربه و مشورت رفیقانه، از راه وحدت عمل صمیمانه در عرصه جهانی حل گردند. هر حزب با استقلال کامل و طبق شرایط مشخص کشور خود مشی و سیاست و شیوه کار خویش را تعیین میکند؛ دارای حقوق برابر با هر حزب برادر است و در مقابل طبقه کارگر و جنبش میهن خود و طبقه کارگر جهانی مسئول است. در عین حال رابطه با کشورهای سوسیالیستی که اتحاد شوروی

نخستین و با تجربه ترین کشور سوسیالیستی جهان در مرکز آنها قرارداد جای مهمی در مسئله انترناسیونالیسم داراست. سیاست و پراتیک ضد شوروی (آنتی سوویتیزم) در عمل به دشمن طبقاتی کمک میکند. کمونیستهای ایرانی چه در زمان حزب کمونیست ایران و چه در دوران فعالیت حزب توده ایران به حق به این جنبه، که واقعیات مشخص شرایط کشورما نیز آنرا بیشتر برجسته میکند، توجه ویژه داشته و دارند. این سنتی است که کمونیستها به خاطر عالیترین مصالح طبقاتی و میهنی، باید آنرا گرامی دارند.

۶) انترناسیونالیسم در روابط بین دول سوسیالیستی :

این اصل پایه و شالوده مناسبات طراز نوین بین کشورهای سوسیالیستی، پایه کمک همه جانبه متقابل، همکاری های وسیع برادرانه، پشتیبانی کامل و تعاون خدشه ناپذیر بین آنها است. این اصل همچنین برابری حقوق، حق حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر را ایجاب میکند. هرگاه بین کشورهای سوسیالیستی اختلافی در ارزیابی، در روش و شیوه کار و در عقیده، بر اثر تفاوت سطح رشد اقتصادی و ساختمان اجتماعی و وضع بین المللی در رابطه با ویژگیهای ملی هر یک از آنها بروز کند، چنین اختلافاتی میتواند و باید بر اساس انترناسیونالیسم، بحث و مذاکره رقیفانه، همکاری داوطلبانه و برادرانه با کامیابی حل گردد. چنین اختلافاتی نباید در هیچ صورتی، به جبهه واحد کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم خلی وارد سازد. پایه عینی چنین برخوردی، همگونی نظام اجتماعی اقتصادی و اشتراک مصالح اساسی و وحدت هدفهای این کشورها و دولت هاست.

این نکات نشان میدهد که انترناسیونالیسم پرلتری با منافع راستین ملی مطابقت کامل دارد زیرا که پیکار به خاطر منافع میهنی و ملی و آزادی و استقلال جزا راه مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و همکاری برادرانه و همبستگی بین المللی با کشورهای سوسیالیستی و یا کشورهاییکه در راه آزادی ملی میرزمنند ممکن نیست.

(۲)

میهن پرستی واقعی جنبه انترناسیونالیستی دارد، یعنی مغایر با آزادی و استقلال و رهائی ملل دیگر نیست، به مبارزه رهائی بخش کمک میرساند و از مبارزه رهائی بخش دیگر ملل، مدد میگیرد. به طور متقابل انترناسیونالیسم عمیقا میهن پرستانه است زیرا که عمیق ترین منافع ملی را در نظر دارد، راه پیروزی را هموار میکند و زمینه شکوفائی ملی و آزادی کامل میهن را فراهم می سازد. شالوده وحدت بین میهن پرستی و انترناسیونالیسم عبارت از آن است که منافع و اهداف اساسی طبقه کارگر در زمینه نبرد علیه بورژوازی داخلی هر کشور، با منافع و اهداف مشترک در زمینه سراسر جهان مطابقت کامل دارد. میهن پرستی واقعی به دلیل آن که با انترناسیونالیسم پیوند دارد با هرگونه ناسیونالیسم، با هرگونه کینه ملی و کینه نژادی و تعصب کورملی بیگانه است زیرا که این عوامل اتحاد زحمتکشان ملل مختلف را برهم میزند در وحدت عمل و مبارزه مشترک که انترناسیونالیسم آنرا ایجاب می کند خلل وارد می سازد. از سوی دیگر انترناسیونالیسم پرلتری نیز به برکت آنکه با میهن پرستی واقعی پیوند دارد با کسموپولیتیسیم، یعنی آن عقیده سیاسی که اهمیت تعلق انسانها را به ملت خود و علائق میهنی را نفی میکند و به اصطلاح "**جهان وطنی**" را تبلیغ میکند و با نیهیلیسم ملی که منکر وجود ملت و ویژگی های آن و اهمیت عناصر ناشی از آن در زندگی خلقها میشود بکلی بیگانه است.

لنین میگوید میهن پرستی یکی از ژرفترین احساسات بشری است که گذشت قرون به آن قوام و نیرو بخشیده است. میهن پرستی نه از یک روحیه اسرار آمیز غیر قابل درک منشاء میگیرد و نه از خواص نژادی چنانکه فاشیستها و شبه فاشیستها ادعا میکنند. این، ناشی از شرایط معین

اقتصادی و اجتماعی، ناشی از منافع عینی توده زحمتکش است. میهن پرستی عامل مهمی در آگاهی اجتماعی است و چه به هنگام تشکیل و قوام ملتها، وابسته به نضج مناسبات سرمایه داری، و چه به هنگام رشد مبارزه ضد امپریالیستی برای استقلال ملی، اهمیت و برجستگی خاص کسب میکند. همراه با تکامل جامعه و تشدید تضادهای طبقاتی، بورژوازی منافع تنگ طبقاتی خود را ما فوق منافع ملی قرار میدهد و از میهن پرستی تنها به عنوان یک وسیله تبلیغاتی استفاده میکند. تنها آن طبقه و طبقاتی که با رشد جامعه همپا هستند و در تکامل آن ذینفع، میتوانند بیانگر منافع ملی و مظهر واقعی میهن پرستی باشند. کمونیست ها در همه کشورها با والاترین نمونه های ایثار و فداکاری از آرمانهای شریف انسانی، میهنی و طبقاتی خود دفاع نموده اند. نام کمونیستها در همه کشورها به مثابه علیقدرترین میهن پرستان و انترناسیونالیستها بر روی پرچم مبارزه آنها نقش بسته است. برای کمونیستها میهن پرستی یعنی عشق و علاقه به میهن و به خلق زحمتکش. یعنی مبارزه بی امان و پیگیر به خاطر استقلال اقتصادی و سیاسی، علیه هر نوع بهره کشی و ستم، یعنی پیکار برای سر بلندی ملی و رشد سریع و غلبه بر عقب ماندگی و تکامل ارزش های مادی و معنوی میهن یعنی تکامل فرهنگ و سنن مترقی و نبرد به خاطر بهروزی و نیکبختی توده های مردمی که در این مرز و بوم زیست می کنند. این را کمونیست ها در همه جا با نبرد اصولی و خستگی ناپذیر خود ثابت کرده اند. اما برای طبقات حاکمه بهره کش میهن پرستی پرده دودی است به خاطر پوشاندن مقاصد بهره کشانه و ضد ملی و ضد خلقی. آنها حاضرند دریای اغراض طبقاتی خویش کشوری را بخوان یغما بدل کنند، استقلال نظامی و سیاسی اش را به باد دهند، منابعش را به دست بیگانگان بسپارند و حتی حاضرند میهن را به آتش و خون بکشانند، یک سره ویران کنند، تا آن "وطنی" را که در چمدانها و در حسابهای بانکهای سوئیس و آمریکا و انگلستان دارند، نجات دهند. تاریخ نشان داده است که سرمایه داری و طبقات بهره کش و ستمگرو رژیمهای ضد خلقی و استبدادی همواره و به آسانی- عالیترین منافع ملی را پیش پای منافع تنگ طبقاتی خویش قربانی کرده اند.

زحمتکشان، تنها میهن پرستان واقعی و پیگیرند. عشق راستین به ملت، به میهن، جز در مبارزه به خاطر رهائی ملی و طبقاتی و به خاطر محو استثمار و ستم و عقب ماندگی، جز در ارتباط کامل و جدائی ناپذیر با انترناسیونالیسم پر لتری شکوفان نمی گردد. عشق راستین به میهن خودی، با منافع ملی و میهنی همه خلقها و منافع جنبش جهانی کمونیستی و رهائیبخش تطابق داشته و همبستگی بین المللی همه زحمتکشان و همه ملل را در نبرد علیه امپریالیسم ایجاد میکند.